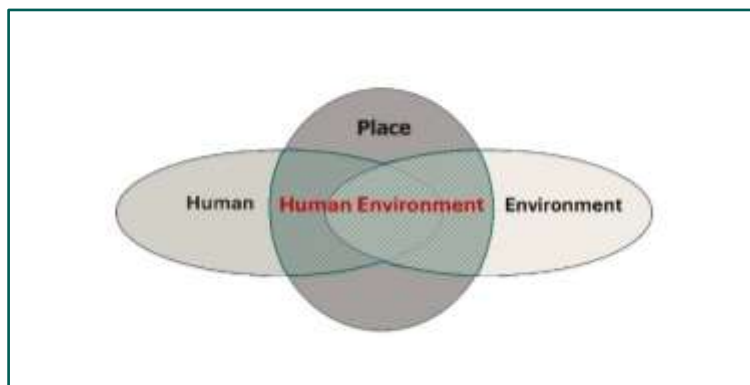


Editor's Note (Human Environment)

“Place” is the very essence of architecture; it is imbued with cognition and consciousness. Place both perceives and reveals. It is the soul of architecture, born from the heart of relationships; it captures the nexus of concepts and brings them into manifestation. Place severs and binds; it is the connecting link between two fundamental entities: humankind and the cosmos, man and the universe.

What draws us closer to the authentic concept of place today is “environmental-human architecture,” or more simply, the “human environment.” The human environment is the ultimate telos (culmination) of architecture, the outcome of the intertwining of habitat and humanity. It is the discovery and reflection of this interwovenness that simultaneously looks toward both the “habitat” and the “human.” At its genesis, architecture either gazes upon humanity—becoming “human architecture,” which nurtures and preserves the human being—or it is oriented toward the environment—becoming “environmental architecture,” which imparts meaning to and safeguards the human habitat. Yet, the “human environment” is place itself; a realm where no boundary exists between human “being” and “becoming.” In the human environment, “habitat” is “being,” and “being” is “habitat”; in other words, this is the very “green place”.



Conceptual model of the human environment and its formative components

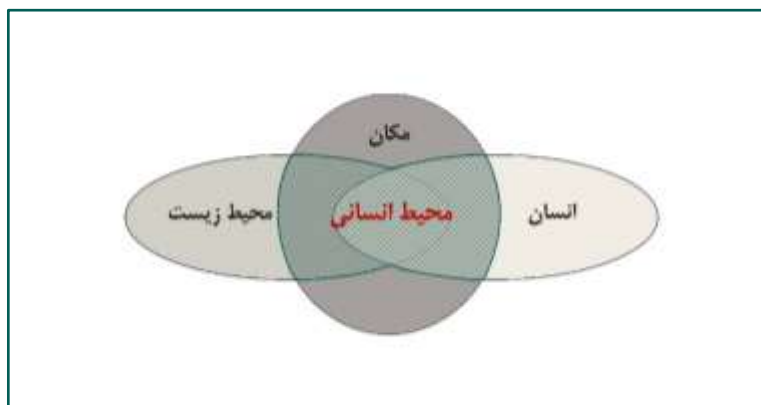
In alignment with this vision, the Journal of Architectural and Environmental Research explores the concept of the human environment in its quest for place as the core of architecture. Through the dual facets of environmental architecture and human architecture, this journal contemplates these concepts and their bond to attain the ideal of the “green place.” In this issue, three articles address “Architecture and Environment,” five articles investigate “Architecture and Human,” and four articles guide us toward a more profound understanding of the “Human Environment.” Let us read and immerse ourselves together.

Mohammad Sadegh Falahat

سخن سردبیر (محیط انسانی)

متن «مکان»، بن‌مایه معماری است؛ جنسی از معرفت و آگاهی دارد. مکان هم درک می‌کند و هم آشکار می‌سازد. مکان، جانِ معماری است که از دلِ رابطه‌ها زایش می‌یابد؛ پیوندِ مفاهیم را شکار کرده و آن‌ها را آشکار می‌کند. مکان می‌گسلد و می‌پیوندد؛ حلقه اتصال میان دو موجود بنیادین است، دو هست، دو بودن: آدمی و کیهان، بشر و جهان هستی.

آنچه امروز ما را به مفهوم مکان نزدیک می‌کند، «معماری محیطی-انسانی» یا به بیانی ساده‌تر، «محیط انسانی» است. محیط انسانی، غایت و سرانجام معماری و حاصل درهم‌آمیختگی زیست‌بوم و آدمی است. کشف و بازتاب این درهم‌تنیدگی است که همزمان به «بوم» و «آدمی» چشم دارد. معماری در آغاز راه خود، یا به آدمی می‌نگرد که در این صورت «معماری انسانی» است و آدمی را می‌پروراند و حفظ می‌کند، یا به محیط معطوف است که در این حالت «معماری محیطی» است و زیست‌بوم آدمی را معنا بخشیده و از آن پاسداری می‌کند. اما «محیط انسانی»، خودِ مکان است؛ جایی که مرزی میان «بودن» و «شدن» آدمی در آن نیست. در محیط انسانی، «بوم» همان «بودن» است و «بودن» همان «بوم»؛ و به دیگر سخن، این همان «مکان سبز» است.



مدل مفهومی محیط انسانی و مولفه‌های تشکیل‌دهنده آن

در امتداد این نگاه، نشریه «پژوهش‌های معماری و محیط» در جستجوی مکان به‌عنوان گوهر معماری، مفهوم محیط انسانی را واکاوی می‌کند. این نشریه در دو وجه معماری محیطی و معماری انسانی، به این دو مفهوم و پیوند میانشان می‌اندیشد تا به آرمان «مکان سبز» دست یابد. در این شماره، سه مقاله به «معماری و محیط» می‌پردازد، پنج مقاله «معماری و انسان» را بررسی می‌کند و چهار مقاله ما را به سوی درک عمیق‌تر «محیط انسانی» رهنمون می‌سازد. با هم می‌خوانیم و دل می‌سپاریم.

محمدصادق فلاحت